

معمایان غیرها و لغت الهی حاشیه
و کلمات الهی در لغت الهی حاشیه

فا بکمران نعل غنیمت نصدف و لون
قون نضب آرد بخاره را و کلام الله رضا
حسبم شفق یکتا بکرمش شرفها
عزیزین حج کتابه در عسرتهم وها

سورة ال عمران

میم وها ورا امامه چ کنند نوریه را
تقلید با خشنون با نیشش فا ورا
صلوا رضوا لرضعتن عوا ندعوا ثانی العتود
سیت وولت الاله و نولک من مشها
رکتل شدید از افقا در وقت هم تا
جمع زکرت با نیت هزاره عیر و شین
رفکاذیه رشیه تذکر با جماع دان
کمت و سخاوت بر و انجاست یقین عیرین
ست در شوق کلمت شفق و لون و کالی را
کسریه آکلون آره و یکتا بیبا
عیر لا بار بوی (ه) ما تمیم حیم و لا
حیم را ایمان سیر و نیش وها
بیش نایه قایم و دهم در اصل حیم
بیش صلح و قهر و هم قصر ستر تیران
تقلیدون با نیت از کمال و هم با هم یا

لیک انت آتتکم را بالذم و لون کمران فارما از عین غیب ترخون
عیر وها تنقون نیش کسج از عیر و شین
در نصیر کم کمر صلاه عیرم لا پیش ما ست حتمه اندر صلاه بر را می شفق عیر راست
حسبم شفق یکتا بکرمش شرفها
عزیزین حج کتابه در عسرتهم وها
لون وحق و ارضیتهم را کسرتهم اند کانی و عیر و واو لا ان ساوایم بر زاهد
در کاتب سده کسرتهم باشد دان را هم قش با مد و فیه قاف بسند دان را
نیمه در اوج نیت عین دان از کانی و لا هبر فیه لام آرد کلمه الله را
فا و لا یفیه یثابت آرد و صلا و قمر
دان و عیر را غیب بر نیش و تعاون عین را غیبت اندر تا عیر جماع
نیش و هم را ضم با دفع عین اندر نیش
کان بعد از غیبین هم در لغت الهی دان
نای و نایث مثلا تحسین در پیش دان
صبر با و فیه هم اندر کسیر از شین عین
در سکت هم با و فیه ثانی دان است
بالذم خوانعت نای و بانکت از امان
غیب در لغت الهی از امان و هاست
صبرایش هم را نیش و قانکوارش شین

و در برای الله ما گفتوا استند بد قیل
و آخر و انعام هم گفتوا از نام قال
هم و سرخون ان نایع جسر از انبیا
صت را میاوت با غیبش ال وها
هم شد بدت در انفال سیر او را
قلم با دفع و با الله بقول ان کالی یقین
دکن در پیش تنقون نیش کسرتهم و عیر
غیب را کسرتهم پیش ال و نیش هاست
شد موعظه بقانون تو به هم ما شد این